خبر

منوچهر آذری و بازگشت به رادیو پس از ۶ سال
ممنون که ما را تحویل گرفتید!

بخش فرهنگی – منوچهر آذری که پس از شش سال دوری بار دیگر به دنیای صدا بازگشته است، از فعالیت های این روزهایش در رادیو می گوید و با همان زبان طنز معمولش مسوولان رادیو را چنین خطاب قرار می دهد، «ممنون که ما را تحویل گرفتید!».

منوچهر آذری از طنازان و هنرمندان سابق «صبح جمعه با شما» و «جمعه ایرانی» در گفت و گویی با ایسنا درباره همکاری مجددش با رادیو، خاطرنشان کرد: من هم یکی از افرادی هستم که مثل مردم فشارهای زندگی را تحمل می کنم و تحملم هم زیاد است. در حال حاضر با شبکه رادیویی فرهنگ همکاری می کنم. حضور من در این شبکه و در برنامه «هفت کوچه» به دعوت مدیر رادیو فرهنگ برمی گردد که صمیمانه از ایشان تشکر می کنم. این برنامه صبح های جمعه زنده پخش می‌شود و امیدوارم بتوانیم لحظات مردم را شاد کنیم.

او با یادآوری اینکه مدت شش سال پس از قطع همکاری با «جمعه ایرانی» به رادیو نرفت، درباره بازگشت دوباره به صدا که از مرداد ماه امسال اتفاق افتاد، اظهار کرد: حضورم در رادیو، پس از شش سال به برنامه «هفت کوچه» برمی گردد؛ برنامه ای خانوادگی و مردمی که در آن ساز و آواز و شوخی و ترانه های مختلف هم پخش می شود. در هر برنامه سوژه ای طراحی و درباره آداب و رسوم و مشکلات مردم گفت وگو می شود.

آذری سپس با تاکید بر اینکه «هفت کوچه» به «صبح جمعه با شما» شباهتی ندارد، در عین حال یادآور شد: برنامه «هفت کوچه» هم شادی و نشاط دارد و خالی از لطف نیست. یک برنامه شاد است که آقای عباس محبی شعرهای آن را می نویسد. از موسیقی های سنتی هم در آن استفاده می شود.

این هنرمند درباره ضرورت ادای احترام به پیشکسوت ها، اظهار کرد: ممنونم که به قدیمی های رادیو احترام گذاشتید و ممنونم که ما را تحویل گرفتید! یک هنرمند فقط و فقط به خاطر پول کار نمی کند. یک هنرمند عزت و احترام می خواهد. پیشکسوتی هنرمند باید رعایت شود.

رونمایی از مستند رضا عبدی پیشکسوت جمعه ایرانی در ایوان شمس

آذری در بخش پایانی گفتگو درباره شرایط دشوار کار در روزگار کرونایی نیز اظهار کرد: روزهای سختی است اما به هر حال پروتکل های بهداشتی را رعایت می‌کنیم. ماسک می زنیم. استودیوها در رادیو ضدعفونی می شوند و مواد ضدعفونی کننده زیاد استفاده می شود. ما هم برای رفت و آمد سرویس داریم.

این هنرمند بار دیگر با تشکر از مدیر رادیو فرهنگ برای دعوت به همکاری، خاطرنشان کرد: معمولاً کمتر حق پیشکسوتی ادا می‌شود اما از من دعوت به عمل آمد. این روزها در رادیو حضور دارم و از این بابت خوشحال هستم.

منوچهر آذری پیش از این خود را این چنین معرفی کرده بود: من بچه‌ی تهرانم، متولد سرچشمه، بخش ۹. اما پدرم تُرک ارومیه است. به همین دلیل در رادیو نقش آقای «کارمندیان» را بازی می‌کردم! از دورانی می‌گویم که وارد دبستان شدم. آن موقع تحرک زیادی داشتم. حتی صدای معلم ها را تقلید می‌کردم و بچه‌ها دور من زیاد جمع می‌شدند.

این هنرمند ۷۷ ساله علاوه بر گویندگی و بازی در رادیو، در فیلم ها و سریال هایی چون «در مسیر تندباد»، «دزد عروسک ها»، «آشپزباشی» و «پیامک از دیار باقی» بازی داشته است.

برندگان جایزه «کاستا» معرفی شدند

بخش فرهنگی – فهرست اسامی برگزیدگان جایزه ادبی «کاستا» در پنج شاخه اعلام شد.

به نقل از گاردین، برگزیدگان نهایی جایزه ادبی «کاستا» در بخش‌های مختلف مشخص شدند و در این بین «لی لورانس» نویسنده کتاب‌اولی به عنوان برنده بخش کتاب خاطرات «کاستا» معرفی شد. «لورانس» در کتاب «بلندتر آواز خواهم خواند» داستان تلاش‌هایش برای دستیابی به عدالت برای مادرش را که پس از شلیک گلوله توسط پلیس لندن در سال ۱۹۸۵ فلج شده بود روایت می‌کند. «لورانس» برای کسب این جایزه پنج‌هزار پوندی با نویسندگانی همچون «جولیان بارنز» برنده جایزه «بوکر» رقابت کرده است.

جایزه پنج‌هزار پوندی «کاستا» در بخش بهترین رمان نیز به «مونیک رافی» برای «پری دریایی صدف سیاه: یک داستان عاشقانه» رسید. این کتاب که هفتمین اثر «روفی» به شمار می‌رود داستان ماهیگیری را روایت می‌کند که آوازش توجه یک پری دریایی چند قرنی را جلب می‌کند.

جایزه «کاستا» در بخش بهترین رمان نخست نیز به «اینگرید پرسود» برای رمان «عشق پس از عشق» اهدا شد.

همچنین «ایوان بولند» شاعر ایرلندی که در آوریل سال ۲۰۲۰ درگذشت برای آخرین مجموعه شعرش با عنوان «تاریخدانان» به عنوان برنده بخش شعر «کاستا» معرفی شد.

«ناتاشا فرانت» هم برای کتاب «سفر دریایی شاهین کوچولو» به عنوان برنده بخش کتاب کودک «کاستا» انتخاب شد.

به برنده اصلی این رقابت ادبی که اواخر ماه جاری مشخص می‌شود مبلغ ۳۰هزار پوند اهدا خواهد شد.

جایزه بهترین کتاب «کاستا» تاکنون ۱۲ بار به رمان، ۵ بار به رمان یک نویسنده‌اولی، ۸ بار به کتاب خاطرات، ۸ بار به مجموعه شعر و ۲ مرتبه به کتاب کودک اهدا شده است.

جایزه «کاستا» یکی از معتبرترین و مشهورترین جایزه‌های ادبی در بریتانیا است که کتاب‌ها و نویسندگان مطرح در بریتانیا و ایرلند براساس آن شناخته می‌شوند. این جایزه از سال ۱۹۷۱ کار خود را با عنوان جایزه ادبی «وایت‌برد» آغاز کرد و سپس در سال ۲۰۰۶ به جایزه کتاب «کاستا» تغییر نام داد.

گفت‌وگو با مترجم کتاب «رولان بارت»

نقطه عزیمت بارت در آثار سال‌های پایانی‌اش تن خویش است

بخش فرهنگی – سجاد غلامی می‌گوید: درآثار سال‌های پایانی بارت، نقطه عزیمتش آثار خود و تن خویش است و اسلوبی که اتخاذ می‌کند نیز رها و سیال است خاصه در قیاس با ساختارگرایی و نظام‌مندی آثاری مثل نظام مد.

شاید بی هیچ اغراقی بشود پالیتی (POLITY) را برجسته‌ترین انتشارات در حوزه علوم انسانی و اجتماعی دانست، به خصوص زمانی که از مباحث روز و عقیده‌های فلسفی سیاسی معاصر سخن برده می‌شود. مطبوعه‌های این انتشارات نزد اصحاب حوزه درس و تحقیق در زمره منابع پیش گام و در عین حال باکیفیت قرار می‌گیرد. از طرف دیگر، انتشارات پالیتی با پرداختن به مباحث پیشرو در حوزه سیاست، فرهنگ و علوم اجتماعی و انتشار نتایج آن در قالب کتاب، باعث بحث‌های مختلف بین نهادهای عمومی و اجتماعی در گوشه و کنار دنیا شده و می‌شود. یکی از رسالت‌هایی که پالیتی در منشور کاری خود بنیان گذاشته، تهییج افکار برای گمانه زنی درباره مصداق داشتن ایده‌ها و تفکرهای جدید از هر حوزه زبانی در زمینه‌های عمومی‌تر است که با برگردان آن‌ها به زبان انگلیسی، بررسی چنین افکاری را بین مخاطب خاص و عام موجد می‌شود. مجموعه کتاب‌های متفکران مطرح معاصر در زمره کارهایی است که پالیتی با چنین رسالتی به طبع می‌رساند. آثار این مجموعه گلچینی از ایده‌های متفکرانی است که بیشترین اثر را بر یک یا چند بستر اجتماعی از زمانه معاصر گذاشته‌اند و کارهایشان لزوما بین خوانندگان عمومی باب نشده است. مجموعه متفکران مطرح معاصر با بررسی کارهای مهم ترین اندیشمندان غربی، مرزهای تفکر بین مکاتب فکری آکادمیک و جریان های عرفی سنتی مختلف را در هم می‌آمیزد.

اکنون انتشارات آوند دانش در اقدامی جدید اقدام به ترجمه و انتشار مجموعه متفکران مطرح معاصر کرده که از این سلسله کتاب «رولان بارت» نوشته مایکل موریارتی به ترجمه سجاد غلامی روانه بازار نشر شده است. به بهانه انتشار این کتاب با او گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

◆ در آغاز سخن درباره رولان بارت نوشته‌های متعددی در ایران ترجمه و تالیف نوشته شده است. ارزیابی کمی و کیفی‌تان از این ادبیات موضوعی چیست و به چه وجوهی از اندیشه و افکار او کمتر پرداخته شده است؟

رولان بارت جزء آن دسته از متفکران بود که می‌کوشید فرهنگ مدرن را از خلال تنوع و گستردگیِ تبلورهایش بکاود. تلاش برای فهم این تنوع و البته یافتن منطق بنیادین و نهفته درون این وجوه متکثر، دامنه موضوعی آثار او را چنین گسترده کرده است. از همین رو، اندیشه‌های او سنگ بنای پژوهش در حوزه‌های مختلف فرهنگ شده است، از نقد ادبی گرفته تا عکاسی، سینما و مطالعات فرهنگی. این گستردگی در آثار ترجمه شده از وی نیز بازتاب یافته است. بسیاری از آثار مهم او در این سال‌ها به فارسی ترجمه شده‌اند. اما برای فهم اینکه بارت چگونه در ایران خوانده شده شاید بهتر باشد از یک دسته‌بندی آشنا و البته نه‌چندان دقیق استفاده کنیم. بسیار شنیده‌ایم که آثار بارت را به دوره‌های متقدم و متأخر تقسیم کرده‌اند. اگر این تقسیم‌بندی را عجالتاً بپذیریم، می‌توان گفت که بارت متاخر یا بارتِ پسامدرن بیشتر از بارت متقدم در ایران اقبال یافته است و نام او در اذهان خوانندهِ ایرانی بیشتر با مفاهیمی همچون «مرگ مؤلف» «لذت متن» و «پساساختارگرایی» تداعی می‌شود. تیراژ و چاپ مجدد این قسم آثار بارت موید این نکته است. برای نمونه سخن عاشق به چاپ نهم رسیده است. از طرفی آثار به‌اصطلاح اولیه او یا آنچنان اقبال نیافته‌اند و بدل به صدایی در فضای نقد علوم انسانی نشده‌اند یا اساساً هنوز ترجمه نشده‌اند.

◆ تمایز کتابی که شما ترجمه کرده‌اید با آثار مشابه در این حوزه چیست؟

تا جایی که می‌دانم یک اثر مبسوط از گراهام آلن درباب بارت به فارسی درآمده و اینجا و آنجا در کتاب‌های نقد ادبی فصولی به آثار وی اختصاص یافته‌اند. باید اذعان کرد هر نوع تلاش برای معرفی یک متفکر در قالب یک اثر، ناگزیر مستلزم انتخاب‌ها و گزینش‌هاست، و همواره وجوهی از اندیشه‌های او فدای جنبه‌های دیگر می‌شود. چنین انتخابی بی‌شک نیازمند پرسش‌های مشخصی است که به شارح جهت می‌دهند. از این حیث تمایز این کتاب در پرسش‌ها و نوع نگاهی است که نویسنده در مقدمه کتاب کوشیده شرح دهد. به باور من یک دورنمای کلی به فصول و محتوای کتاب را شکل می‌بخشد. وی می‌کوشد اندیشه‌های بارت را فهم‌پذیر (و نه لزوماً ساده‌سازی) کند آن هم از خلال شرح مفاهیم بنیادی و پربسامد آثار وی و نیز ردیابی استعاره‌های متون او. این هدف در کنار ارجاع مدام به متن آثار، کتاب را به منبعی ارزشمند برای ورود به اندیشه‌های بارت بدل کرده است. البته باید توجه داشت که چنین فهمی از اندیشه‌های او تنها به مدد خواندن این کتاب در راستای مطالعه آثار بارت ممکن می‌شود.

◆ یکی از ویژگی‌های آثار بارت این است که آثار متاخرش ردیه‌ای بر آثار اولیه اوست و همواره در جهت تکاملی حرکت می‌کند این ویژگی او از چه هدف و غایتی نشات می‌گیرد؟

این قسم تقسیم‌بندی خالی از اشکال نیست و البته چنین نسخه‌ای را برای بسیاری از متفکران مطرح پیچیده‌اند. چندان غریب نیست که یک اندیشمند در ساحت اندیشه‌ها کوچ کند یا برای پرسش‌های اساسی پروژه خویش رهیافت‌ها و رویکردهای منتفاوتی برگزیند. تا آنجا که به مایکل موریارتی و کتاب او درباره بارت مربوط می‌شود، وی این تقسیم بندی را دست کم به معنای آشنای کلمه نمی‌پذیرد. به باور او،خود بارت دو الگوی روایی برای فهم آثار خویش را پس می‌زند: نخست اینکه آثار متاخر ردیه‌ای هستند بر آثار اولیه؛ و دیگر وجود نگاهی غایت‌شناختی و تکاملی در آثار، گویی اندیشه‌ای در هر مرحله و قدم به قدم پخته شده و در آثار پایانی به کمال رسیده است. در روایت اول اینگونه به نظر می‌رسد که بارت با چند ایده غلط درباب سیاست می‌آغازد و به مرور به مدد هنر، عشق و لذت یا مرگ یا هر مفهومی که مایل باشید، به خامدستی نگاه اولیه‌اش پی‌می‌برد. الگوی دوم نیز خبر از چرخشی ناگهانی دارد که دلمشغولی‌های اولیه در آن رنگ باخته‌اند. کتاب می‌کوشد ردیه‌ای باشد بر این دو الگوی کلیشه‌ای و همین هدف وجه متمایز دیگر این اثر است.

◆ بارت متقدم با بارت متاخر چه تفاوت‌های معرفت شناختی دارد؟

اگر بخواهیم آثار سال‌های پایانی بارت را ذیل عنوان بارت متاخر فهم کنیم، باید گفت که او در اینجا برای درک فرهنگ و انسان از تبلورهای ملموس آن یعنی آثار هنری، و فرهنگ توده‌ای فاصله می‌گیرد و توامان ژست متفکرِ اسطوره‌شناس و نشانه‌شناس را کنار می‌گذارد. درآثار سال‌های پایانی نقطه عزیمت او آثار خود و تن خویش است و اسلوبی که اتخاذ می‌کند نیز رها و سیال است خاصه در قیاس با ساختارگرایی و نظام‌مندی آثاری مثل نظام مد. او در واقع از متونی که چهارچوبی نظری دارند فاصله گرفته و به متن ادبی نزدیک می‌شود.

◆ بر اساس آنچه که در این کتاب هم بیان شده بسیاری از بارت به عنوان انسان خیال اندیش نام می‌برند چرا؟

اگر تداعی مثبت از مفهوم خیال‌اندیشی در نظر باشد بی‌شک نه تنها بارت بلکه بسیاری از منتقدان حوزه مطالعات فرهنگی و نشانه‌شناسان را می‌توان خیال‌اندیش VISIONARY نامید چرا که آنان وجود هر عنصری در متن را مستلزم گونه‌ای گزینش و انتخاب از زنجیره هم‌نشینی می‌دانند، یعنی پیکره‌ای عظیم از انتخاب‌ها و بدیل‌ها که ممکن بود در متن جای بگیرند. این انتخاب چه آگاهانه و چه ناآگاهانه انتخابی‌هایی اخلاقی‌اند و کار نشانه‌نشاس تخیل کردنِ همین انتخاب‌های بدیل است. به عبارت دیگر، پرسش ساده نشانه‌شناس این است که چه فرق می‌کرد اگر بجای این عنصر، عنصر دیگری در متن قرار می‌گرفت.

◆ خوانش از آثار بارت در ایران چه رهیافتی برای ما دارد؟

بی‌شک پژوهشگران حوزه‌های گوناگون (عکاسی، نقد ادبی، اسطوره‌شناسی، تئاتر و غیره) می‌توانند از نگاه ویژه و خلاقانه بارت بیاموزند خاصه اینکه او در آثار سال‌های پایانی خود اسلوب‌هایی برای خوانش پیش می‌نهد که به راحتی قابل استخراج و اعمال به متن‌های دیگر نیستند و منتقد را دعوت می‌کنند خود شیوه‌ای نوین برای رویارویی با آثار ابداع کند. او می‌کوشد خوانندگان متن را به سوژه‌هایی بدل کند که قادرند از مصرف منفعلانه آثار فراتر روند، در نوشتنِ متن سهمی داشته باشند و برای تفسیر آثار به هیچ مرجع تعین‌بخشی، حتی خود نویسنده، وقعی ننهند. از سوی دیگر، پروژه بارت، یعنی فهم و نقد فرهنگ، اکنون به حوزه‌های گسترده و بالنده‌ای پیوند خورده است که مطالعات فرهنگی و مطالعات رسانه بخشی از آنند. بارت مقالات اسطوره‌شناسی‌ها را در سال‌های پایانی دهه شصت میلادی نوشت، هنگامی که قدرت رسانه (عمدتاً سینما، تلوزیون و مطبوعات) ترسناک به نظر می‌رسید. اما شاید او هرگز تصور جهانی این چنین مملو از رسانه و تصاویر رسانه‌ای در سر نداشت. اینترنت و شبکه‌های اجتماعی هرچند قدرت انحصار رسانه‌ها متکثر کرده‌اند، اما ماشین فرهنگ سهمگین‌تر از پیش متن و تصویر تولید می‌کند و به قول بارت این همهمه و «غوغا» نیازمند گوش‌های حساسی است که بشنوند و کار اسطوره‌نویس‌ها و اسطوره‌سازها را خنثی کنند. مضافاً در ایران بخشی عظیمی از محصولات فرهنگی از منشور ساختارهای دولتی رد می‌شود و مخاطبان ورای ساختارهای و فرم‌های تکرار شونده، پیام‌هایی متمایز و متنوع می‌بینند و مصرف می‌کنند. نشانه‌نشاس، اسطوره‌شناس، یا هر آنچه خطابش کنید، وظیفه دارد شگردهای بلاغی و اقناعی آثار فرهنگی و رسانه‌ای را وارسی کرده و بکوشد، هرچند نومیدانه، نوعی آشتی میان انسان‌ها و واقعیت ایجاد کند.

با معرفی برگزیدگان و شایستگان تقدیر

سیزدهمین جایزه ادبی جلال آل‌احمد به کار خود پایان داد

بخش فرهنگی – سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد با معرفی برگزیدگان و شایستگان تقدیر و چهره‌های برتر داستان و مستندنگاری دفاع مقدس به کار خود پایان داد. به نقل از روابط عمومی خانه کتاب و ادبیات ایران، برگزیدگان و شایستگان تقدیر سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل‌احمد در بخش‌های «مستندنگاری»، «داستان بلند و رمان»، «نقد ادبی»، «مجموعه داستان کوتاه» و «بخش ویژه؛ پاسداشت چهلمین سال آغاز جنگ تحمیلی و آغاز دفاع مقدس» معرفی شدند. در بخش «مستندنگاری» داوران دو کتاب «فرکانس ۱۱۶۰ (اینجا آبادان؛ صدای مقاومت و ایستادگی)» به قلم فضل‌الله صابری از شرکت انتشارات سوره مهر (دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری اصفهان) و «گوهر صبر(خاطرات گوهرالشریعه دستغیب)» به قلم طیبه پازوکی از شرکت انتشارات سوره مهر را به عنوان «برگزیده مشترک» این بخش انتخاب و معرفی کردند.

داوران این بخش همچنین کتاب «از ری تا شام روایت ناتمام احمد غلامی» اثر مرحوم «علی مژدهی» را به دلیل اعتبار راوی و همچنین اعتبار صاحب خاطره و محتوای غنی در مورد تاریخ دقیق وقایع کردستان در مقطع ابتدای جنگ و نیز تشکیل تیپ ده سیدالشهدا علیه‌السلام قابل تجلیل ارزیابی کرده و از دبیرخانه جایزه خواستند که به نحو مقتضی از این اثر تجلیل کنند. مصطفی رحیمی، سعید علامیان و گلعلی بابایی به عنوان داوران بخش «مستندنگاری» آثار مرتبط با این بخش را بررسی کردند. در بخش «داستان بلند و رمان»، داوران کتاب «اوراد نیمروز» به قلم منصور علیمرادی از نشر نیماژ را «شایسته تقدیر» دانستند.

سعید تشکری، جواد افهمی و علی چنگیزی داوری آثار بخش «داستان بلند و رمان» را بر عهده داشتند. در بخش «نقد ادبی» داوران کتاب «تاریخ بدن در ادبیات» به قلم سید مهدی زرقانی (با همکاری: زهرا آقابابایی خوزانی، امید ایزانلو، فاطمه جهانپور، حمیدخادمی، محسن شرفایی و فرزانه فرخ‌فر) از نشر سخن را «شایسته تقدیر» دانستند. داوران این بخش همچنین کتاب «روایت‌شناسی درام» اثر پرستو محبی را به خاطر تلاش‌های مؤلف در روش‌مندی، سازمندی و تحلیل ادبیات داستانی — نمایشی مورد تجلیل قرار داده و از دبیرخانه جایزه جلال آل احمد خواستند که به نحو مقتضی از این اثر نیز تجلیل کنند. دکتر حمیدرضا شعیری، دکتر محمدرضا سنگری و کامران پارسی‌نژاد داوری آثار بخش «نقد ادبی» را بر عهده داشتند.

هیات داوران بخش «داستان کوتاه» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد ضمن سپاس از همه نویسندگان ارجمند که آثارشان در این دوره مورد بررسی قرار گرفت، با اتفاق نظر اعلام کردند که مجموعه‌های داستان کوتاه رسیده به دبیرخانه، دارای ساختار و محتوای قابل قبولی از نظر ویژگی‌های فنی و تکنیکی داستان کوتاه نیستند. بنابراین انتخاب برگزیده یا شایسته تقدیر جایزه ادبی جلال آل احمد از بین آثار رسیده به دبیرخانه این رویداد ادبی فاقد توجیه فنی و حرفه‌ای است.

به همین دلیل هیات داوران بخش «داستان کوتاه» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، ضمن آرزوی بالندگی آثار و نویسندگان این حوزه در سال‌های آتی هیچ‌کدام از آثار رسیده به این دبیرخانه در این دوره را حائز شرایط برگزیده شدن ندانستند. داریوش عابدی، راضیه تجار و عبدالمجید نجفی به عنوان داوران بخش «داستان کوتاه» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد به بررسی آثار مرتبط با این حوزه پرداختند. «بخش ویژه؛ پاسداشت چهلمین سال آغاز جنگ تحمیلی و آغاز دفاع مقدس» سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد در دو بخش «معرفی چهره‌های داستان نویسی و مستندنگاری دفاع مقدس» به انتخاب رسانه ها و تجلیل از «پایان‌نامه‌های دانشگاهی با موضوع ادبیات داستانی دفاع مقدس» آثار برتر را معرفی کرد. در بخش «معرفی چهره‌های داستان‌نویسی و مستندنگاری دفاع مقدس» به انتخاب اهالی رسانه، محمدرضا بایرامی، احمد دهقان، مجید قیصری، حبیب احمدزاده، داوود امیریان، قاسمعلی فراست، داوود غفارزادگان، گلعلی بابایی، حمید حسام، اکبر صحرایی، علی مؤذنی و رحیم مخدومی به عنوان چهره‌های برتر معرفی شدند. در بخش «پایان‌نامه‌های دانشگاهی با موضوع ادبیات داستانی دفاع مقدس» در مقطع دکترا، محمود رنجبر برکادهی با رساله «نقد و تحلیل روایی-محتوایی داستان های کوتاه دفاع مقدس، مرضیه آتشی پور با رساله «بررسی سبک شناسانه نثر داستانی ادبیات انقلاب اسلامی با تکیه بر رمان های شاخص دفاع مقدس» و فریبا نظری پورکیایی با رساله «تفسیر فرهنگی-اجتماعی خاطرات جنگ ایران و عراق با تاکید بر خاطرات عملیات کربلای پنج در منطقه شلمچه» به عنوان رساله‌های برتر انتخاب شدند. در مقطع کارشناسی ارشد، سیدمحمدعلی صحفی با پایان‌نامه «نحوه خوانش رمان‌های جنگ در میان دانشجویان و طلاب»، کوثر اولیایی با پایان‌نامه «بازتاب جنگ هشت ساله در خاطرات زنان ایرانی در دوره پسا جنگ بر مبنای رویکرد شناختی لیکاف» و مهشدی دلبری با پایان‌نامه«تحلیل گفتمان وصیت نامه های شهدای هشت سال جنگ تحمیلی معرفی شدند.

دبیرخانه جایزه جلال آل احمد همچنین دکتر عبدالله حسن زاده میرعلی از دانشگاه سمنان با ۲۱ پایان‌نامه، دکتر مهدی خادمی کولایی از دانشگاه مازندران با ۱۲ پایان‌نامه، دکتر اسماعیل صادقی ده‌چشمه از دانشگاه شهرکرد با ۱۲ پایان‌نامه و دکتر محمدرضا سنگری از دانشگاه‌های مختلف با ۱۲ پایان‌نامه را به عنوان استادان راهنما و مشاور شاخص پایان‌نامه‌های دانشگاهی حوزه ادبیات داستانی دفاع مقدس معرفی و از آنان تجلیل کرد.

گفتنی است، در آیین اختتامیه سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد از کتاب«جمال جلال»(برگردان گزیده ای از داستان‌های جلال آل احمد به زبان اردو) ترجمه احمد شهریار، نویسنده، شاعر و مترجم پاکستانی رونمایی شد.

معرفی طرح پدید (پژوهشی در آثار داستانی منتشر شده در سال ۹۸) از دیگر بخش‌های آیین پایانی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد بود.

دکتر محسن جوادی، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ابراهیم محمدحسن بیگی، دبیر علمی، مرتضی سرهنگی، نماینده هیات علمی در هیات داوران بخش ویژه دفاع مقدس و مصطفی راضی جلالی، دبیر اجرایی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد، با حضور در برنامه «شب روایت» ویژه اختتامیه جایزه جلال آل احمد به توضیح درباره این رویداد ادبی پرداختند.

پخش تصاویر ضبط شده از برندگان جایزه، از دیگر بخش های این ویژه برنامه بود.

لازم به یادآوری است، ابراهیم محمدحسن بیگی (دبیر علمی)، مرتضی سرهنگی، محمدرضا بایرامی، مصطفی جمشیدی، دکتر ابوالفضل حری، علی چنگیزی، دکتر مریم مشرف، حمید حسام و محمدرضا شرفی خبوشان، هیات علمی سیزدهمین دوره جایزه ادبی جلال آل احمد را عهده دار بودند.

ناراحتی بازیگر پیشکسوت از رابطه‌بازی در تلویزیون

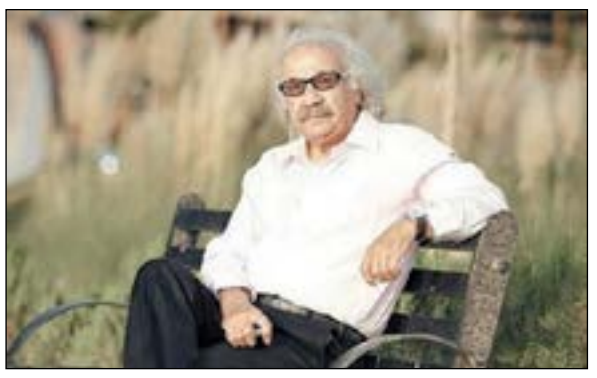

بخش فرهنگی – سعید پیردوست مشکل سریال‌سازی تلویزیون را در حضور تازه‌واردهایی می‌داند که استعداد لازم را ندارند و بیشتر از طریق رابطه واردِ این عرصه‌ها می‌شوند.

سعید پیردوست نام آشنا و خاطرانگیزی است؛ همچنان که در کارآگاه علوی حسن هدایت ایفای نقش می کرد و وقتی در «پاورچین» نقش آقای رئیس را جلوی دوربینِ مهران مدیری به یادگار گذاشت. اما امروز او مثلِ خیلی از کاربلدها و پیشکسوتانَ دیگر، کم‌کارترین روزهای دوران کاری خود را سپری می‌کند.

سعید پیردوست در خصوص کم‌کاری و غیبتش در تلویزیون گفت: از زمانی که کرونا آمده بیشتر ترجیح می‌دهیم در خانه باشیم. هرکاری هم به ما پیشنهاد می‌شود خوشبختانه یا متأسفانه رد می‌کنیم؛ چون نمی‌توان کرونا را شوخی گرفت. فقط نتوانستم به «خائن‌کشی» مسعود کیمیایی جواب رد بدهم و برای تستِ گریم هم رفت. او درباره شخصیتی که قرار است در این فیلم ایفا کند و همبازی شدن با مهران مدیری، تأکید کرد: به ما گفته‌اند از ۲۰ دی‌ماه به بعد فیلمبرداری آغاز می‌شود. نقش تقریباً منفی در این فیلم سینمایی دارم و البته با مهران مدیری بعد از مدت‌ها همکاری خواهیم داشت این بار به عنوان بازیگر در کنار هم؛ نقشی است که باید ببینیم در کار چطور در خواهد آمد. بازیگر سریال «ستایش» و «نقطه چین» در پاسخ به این سؤال که چرا مثل برخی دیگر با مهران مدیری همکاری نکرد، گفت: واقعاً پیش نیامد! معمولاً نقش باید به بازیگر بیاید و انتخاب شود؛ وقتی با آن کاراکتر و شخصیت سنخیتی نداشته باشیم، نمی‌توانیم خودمان را تحمیل کنیم. حتماً در کارهای جدید نقشی برای من نداشتند. همیشه به کار با مهران مدیری افتخار کرده‌ام و برایم لذت‌بخش بوده است. هیچ‌وقت دنبالِ این نبوده‌ام که خودم را به کاری تحمیل کنم. پیردوست در خصوص دعوت نشدن به برنامه «دورهمی» گفت: برنامه «دورهمی» هم پیش نیامد! البته که زیاد تمایلی به این برنامه‌ها نشان نمی‌دهم و زیاد اهل خودنمایی، جنجال و چالش نیستم.

او با اشاره به اینکه مردم در خیابان مرا به «شب‌های برره» می‌شناسند و می‌پرسند چرا با مهران مدیری کار نمی‌کنید، گفت: بسیاری به من گفتند جایتان خالی است و چرا با مهران مدیری کار نمی‌کنید؟ و من هم می‌گفتم افتخار نداشتم و پیش نیامده است. در کوچه و خیابان بیشتر مرا به «شب‌های برره» می‌شناسند.

پیردوست در پاسخ به این سؤال که مشکل سریال‌های تلویزیون کجاست که نمی‌توانند مثلِ گذشته دوران طلایی سپری کنند، تصریح کرد: بسیاری جوان در عرصه مدیریتِ تهیه‌کنندگی و حتی کارگردانی و بازیگری آمده‌اند که استعداد لازم را ندارند. من منکرِ حضور جوانان نیستم اما چقدر خوب است که کاربلدهای این عرصه وارد میدان شوند یا حداقل از تجربه‌های بزرگان این عرصه بهره ببرند. برخی از طریق رابطه آمده‌اند و این معضل بسیار به چشم می‌خورد. باید به بازیگری و عرصه تهیه‌کنندگی برای ساخت سریال بیشتر توجه شود. چرا باید به بازیگر جوانِ ما نقش سالخورده بدهند در حالیکه بازیگر کاربلد سالخورده خانم و آقا زیاد داریم که خانه‌نشین‌اند. متأسفانه شرایط به گونه‌ای است که کمتر از گذشته به ما کار می‌دهند. اما عده‌ای خاص در سریال‌های مختلف حضور دارند؛ هنوز کاری تمام نشده سر کاری دیگری هستند. این توجه به عده خاص امثالِ ما پیشکسوتان که اغلب فراموش می‌شویم یا کم‌کار را آزرده می‌کند.

پیردوست با بیان اینکه جای قصه‌های اصیل و ساده قدیمی در تلویزیون خالی است، خاطرنشان کرد: می‌دانید که واقعاً قصه‌های قدیم یک شور و حال دیگری داشت حتی اگر به آثار هالیوود هم نگاه کنید فیلم‌های تاریخ سینما و فیلم‌های تاریخی، یک حال و هوای دیگری داشتند. امروز جای آثار اصیل در تلویزیون ما خالی‌است و جای آن را کارهای کامپیوتری، اکشن و پراز هیاهو گرفته است. البته که شغل و حرفه ما ایجاب می‌کند خودمان را با شرایط وفق بدهیم. زیرا وقتی یک مقدار با نقش ارتباط برقرار می‌کنیم باید با آن نقش و کاراکتر کنار بیاییم.

وی با اشاره به اینکه دلم بای روزهای پاورچین و نقطه‌چین تنگ شده است، گفت: دلم برای روزهایی تنگ شده که «پاورچین» و «نقطه‌چین» ساخته می‌شد. ما گروه خیلی خوبی بودیم واقعاً می‌گویم که با جان و دل کار می‌کردیم. انصافاً مردم ما را خیلی دوست داشتند ما هم طوری هنرنمایی می‌کردیم که مردم دوست داشته باشند و رضایتِ مردم برای ما اهمیت داشت. الان متأسفانه همه‌چیز رو به سطحی می‌رود؛ شاید نمونه بارز آن موسیقی باشد که از آن اصالت خودش خارج شده است.